

از: وحیدزاده- نسیم

## محمود خان ملك الشعراء

محمود خان ملك الشعراء فرزند محمد حسین خان عندلیب و نواده فتحعلی خان صبا کاشانی در سال ۱۳۲۸ هجری قمری در تهران تولد یافته . اجداد و نیاگان او که از طایفه دنبلی آذربایجان بودند در دوران زندیان از آن دیار مهاجرت کرده در عراق متوطن گردیدند .

در آذربایجانی الاصل بودن این خاندان شك و تردیدی نباید داشت زیرا که اغلب تذکره نویسان آن عصر مانند میرزا حسن زنوزی متخلص بفانی در کتاب ریاض-الخنه که خود معاصر و مصاحب فتحعلی خان بوده و مرحوم اعتماد السلطنه در کتاب المآثر و الاثار و رضاقلی خان هدایت و دیگران بدان اشاره نموده اند .

فتحعلی خان جد محمود خان که یکی از گویندگان بنام زمان فتحعلی شاه و سمت ملك الشعرائی داشت در کاشان قدم بعرضه وجود نهاد و در جوانی از مجلس درس صباحی بید کلی شاعر مشهور تلمذ نمود و راه و روش سخن سرائی را نیکو فرا گرفت. هنگام جلوس فتحعلی شاه - صبا قصیده ای که با مطلع زیر آغاز میگردد:

دو آفتاب کز آن تازه شد زمین و زمان یکی بکاخ حمل شد یکی بکاخ کیان

ساخته و مورد توجه پادشاه قرار گرفت و از آن پس ملتزم دربار گردید چندی بعد بحکومت قم و کاشان منصوب شد و در بیشتر مسافرتها در التزام رکاب بود .

اشعار او شامل قصیده و غزل و رباعی و مثنوی میباشد و کتاب شاهنشاهنامه و خداوند نامه را بوزن و تقلید استاد بزرگ طوس فردوسی در وصف فتحعلی شاه و تاریخ قاجاریه بنظم آورد ، دو منظومه دیگر بنام گلشن صبا و عبرتنامه از فتحعلی خان بیاد کارمانده و مجموع اشعارش را تا حدود سیصد هزار بیت گفته و نوشته اند. صبا در سال ۱۲۳۸ هجری قمری فوت کرده است .

پس از درگذشت صبا پسر بزرگش متخلص بعندلیب که شاعری شیرین سخن بود

با همان سمت و مقام جای پدر را گرفت و تا اوایل سلطنت ناصراله‌بن شاه که در قید حیات بود مورد اکرام و احترام بود. پس از مرگ عندهلیب محمود خان بجای پدر مستقر گردید.

محمود خان دارای دو برادریکی بنام محمدخان ندیم باشی متخلص به خجسته و دیگری باباخان بود. باباخان برادر کهنتر در اواسط عمر درگذشت و محمدخان محمودخان مقدمات فارسی و عربی و حکمت و ریاضی را نزد محمد قاسم خان متخلص بفروغ عم خود فرا گرفتند.

عصر صفویه در تاریخ ادبیات شیرین فارسی بدون تردید از اعصار انحطاط نظم و نثر بشمار میرود. سبک متکلفانه‌ای که بنای آن در دوره مفعول نهاده شد در این زمان توأم با نثر کیببات و جمله بندیهای پیچیده و عبارت پردازیهای زائد و تشبیهات نامطلوب و معانی بعیده گردید و روشی در شعر بوجود آمد که آنرا سبک هندی نام نهاده اند. بیشتر مسائل مذهبی موضوع نظم و نثر قرار گرفت و شعراء و نویسندگان به نعت انبیاء و اولیاء پرداختند و کمتر کرد مسائل عرفانی و فلسفی و حماسه گوئی و داستانهای عشقی و وصف طبیعت و غزل سرائی گردیدند و در نتیجه نظم و نثر از راه راست منحرف و با وجوددهها گوینده و نویسنده در این زمان سخن پردازی که قابل مقایسه با یکی از اساتید درجه دوم متقدم باشد نتوان یافت.

در اوایل قرن دوازدهم نهضت و حرکتی برای بازگشت با سلوب و روش قدما آغاز گردید و سخنورانی مانند صباحی بید کلی، لطفعلی بیگ آذر، سید محمد شعله، میر سید علی مشتاق و هاتف اصفهانی بطرز و شیوه اساتید بنظم اشعار پرداختند و شالوده‌ای بس متین ریختند که چندی بعد نتایج و آثار درخشان آن در زمان قاجاریه ظاهر و هویدا گردید.

عصر قاجار از لحاظ ادبیات از ادوار ترقی و کمال محسوب میگردد. گویندگان و نویسندگان متعدد در تعقیب نهضت مذکور در فوق پیروی از سبک اساتید کهن چون عنصری، فرخی، فردوسی، منوچهری، انوری، مسعود سعد، ناصر خسرو، نظامی، سعدی

وحافظ بنظم اشعار دلکش پرداختند و نویسندگان اقدام بتألیف وتصنیف کتب تاریخی و ادبی نمودند و در هر دو قسمت نظم و نثر حق سخن را ادا کردند .

نشاط اصفهانی، مجمر، فتحعلی خان صبا، وصال شیرازی، سروش، فروغی بسطامی و قآنی که در قدرت طبع نظیرش را کمتر توان یافت باز ادب را که سخت کاسد شده بود رونقی بخشودند و نویسندگان دانشمندی چون میرزا ابوالقاسم قائم مقام و رضا قلیخان هدایت و فاضل خان گروسی و دیگران در نثر فصیح و بدون تکلف سر مشق دیگران قرار گرفتند .

محمود خان که خود یکی از گویندگان معروف این عصر بشمار میرود در اواخر سلطنت محمد شاه بمعیت حاج الله قلیخان ایلخانی ایل قاجار پسر موسی خان که نواده دخترى فتحعلیشاه و پسرزن میرزا آقاسی صدراعظم وقت بود و بسمت فرمانروائی کردستان تعیین گردیده بود بعنوان پیشکاری بانسایان حرکت کرد - الله قلیخان که مردی جاه طلب و مغرور و اندیشه سلطنت در سر می پخت و قبلاً در میان ایل خود مشغول دسته بندی گردیده و بهمین علت هم تغییر مأموریت یافته بود در حوزه فرمانروائی جدید نیز بتهیه اسلحه و نفرات پرداخت. محمود خان که از عاقبت کار اندیشناك شده بود نامه محرمانه ای با شرح قضایا بدوستان خود در تهران نوشت که بوسیله میرزا تقی خان سپهر بمیرزا آغاسی عرضه شد. الله قلیخان دیری نگذشت که بوسیله مادر خود بامیرزا از مضمون نامه محمود خان باخبر گردید و در صدد قتل وی برآمد. محمود خان چون وضع را خطرناك دید شبانه از بیراهه از بروجرد باچند تن از همراهان راه فرار پیش گرفت و خود را بقم رسانید و در آنجا متحصن گردید و ایلخان که رازش فاش شده بود از شغل خود معزول و بعراق تبعید گردید و محمد شاه هم در همین ایام جهانرا بدرود گفت . از نتایج سفر محمود خان به لرستان تشریف بخدمت سید علی نامی بود که لری ژنده پوش و با آنکه از علم و دانش بهره ای نداشت بسبب صفای باطن و پاکی ضمیر بقول شاعر که بارها میگفته سید را در عالم هیچ مجهولی نبود .

محمود خان در دستگاه ناصرالدین شاه صاحب عنوان گردید و چون دارای طبعی

لطیف و ذوقی سرشار بود در شعر و شاعری شهرتی بسزایافت. وی در فنون دیگر از قبیل حسن خط و نقاشی و منبت کاری و مجسمه سازی بهره کافی داشت و او را باید مظهری از صنایع ظریفه در عصر خود دانست نمونه‌ای از کارهای هنری او در کاخ گلستان موجود می‌باشد. محمود خان دارای طبعی روان و قلبی حساس و قصاید غرای وی در کمال سلاست و انسجام ساخته شده و بیشتر اوقات فرخی و منوچهری و عنصری و معزی را بخاطر می‌آورد. بایک دقت مختصری بآثار این استاد مانند قصیده‌ای که با مطلع:

بسحر گاهان قمری چو در آید بسخن      سوی باغ‌آی نگارینا لختی با من  
و چکامه ای که:

از کوه بر شدند خروشان سحابها؛      غلطان شدند از بر البرز آب‌ها  
و چکامه‌ای که با مطلع:

امروز نگارینا با من بدگر سانی      در دل بمنت کوئی خشمی است به پنهانی  
آغاز میگردد آشکار میشود که گوینده دارای چه قریحه عالی و در مقام استقبال و تقلید از روش قدماء بهترین وجهی حق سخن را ادا کرده است.

دیوان<sup>(۱)</sup> محمود خان نزدیک به ۲۶۰۰ بیت می‌باشد که گویا شاعر در اواخر عمر از میان اشعار خود انتخاب و بقیه را از بین برده است. محمود خان در سال ۱۳۱۱ دو سال قبل از قتل ناصرالدین شاه بدرود حیات گفته و مدفنش در جوار قبر این پادشاه قرار دارد.

پرتال جامع علوم انسانی

(۱) دیوان محمود خان بعنوان ضمیمه سال ۲۳ ارمغان در طهران طبع و منتشر گردیده است.